علی محمدی/ ایران

روایتی از آنها که ابتلایشان را به کرونا مخفی می کنند

شکست قرنطینه با افتخار

مریم طالشی
گزارش نویس

«یک روز هم خانه نماندم هیچی هم نشد. هم کافه‌ام را رفتم، هم میهمانی؛ نمی‌شود که آدم خودش را در خانه حبس کند.» دختر جوان با افتخار این حرف‌ها را می‌زند و حاضران با تردید نگاهش می‌کنند. زنی که نزدیک به او ایستاده خودش را کمی جمع می‌کند. معلوم است معذب شده چون مدام ماسکش را روی صورتش چفت می‌کند و تلاش دارد تا وسایلی را که خریده، هرچه زودتر حساب کند و از فروشگاه خارج شود. دختر که معلوم است از مشتری‌های قدیمی فروشگاه لوازم آرایشی، بهداشتی است بی‌توجه به نگرانی زن و نگاه‌های تردیدآمیز دیگر مشتریان، دوباره شروع می‌کند با آب و تاب تعریف کردن: «یک بار رفتم یک کافه و تا ماسکم را درآوردم شروع کردم سرفه کردن. قیافه‌های کارکنان کافه دیدنی بود. حسابی ترسیده بودند. بلند گفتم نگران نباشید، یک کم کرونا دارم. خندیدند و باورشان نشد اما واقعاً آن موقع کرونا داشتم. زن دیگری عصبی می‌شود. تقریباً سر صندوقدار داد می‌زند: «خانم زودتر حساب کنید دیگه، من کار دارم.» دختر صندوقدار که اتفاقاً به نظر می‌رسد با دختر جوان رابطه صمیمانه‌تری دارد، در حالی که هنوز لبخند ناشی از خاطره دختر از روی لبش محو نشده، آرام از زیر ماسک نجوا می‌کند: «الان خانم. همین‌هاست؟» کار زن راه می‌افتد و او بلافاصله فروشگاه را ترک می‌کند. یکی، دو نفر دیگر که شاهد این هنرنمایی بودند، ترجیح می‌دهند بدون آنکه خرید کنند از مغازه خارج شوند. من هم از فروشگاه خارج می‌شوم چون نمی‌دانم الان که دختر دارد این حرف‌ها را می‌زند، کرونا دارد یا نه. بالاخره احتیاط شرط عقل است.

ملاقات با چنین آدم‌هایی به نظر عجیب می‌رسد. مگر ممکن است آدم عاقل مبتلا به کرونا شده باشد و بی‌خیال برای خودش قرنطینه را بشکند و بیرون برود؟! اگر کسی را مریض کند چه؟ اصلاً مگر می‌شود تضمین داد که به کسی آسیبی نمی‌رسد؟ حالا گیرم که کرونای سبک گرفته باشی و حال عمومیت هم خوب باشد، آیا اگر کسی را مبتلا کنی، مطمئن خواهی بود او هم همینقدر سبک کرونا بگیرد و عین خیالش نباشد؟ چه کسی گفته ویروس در بدن همه یکجور عمل می‌کند؟ این هم از آن حرف‌هایی است که آدم نباید جدی بگیرد؛ اینکه مثلاً اگر من خفیف گرفته‌ام، کسی که از من می‌گیرد هم خفیف می‌گیرد و طوریش نمی‌شود. نمونه‌هایی که این ادعا را رد کنند زیادند. نمونه‌اش زن و شوهر جوانی که هردو با هم مبتلا شدند اما مرد سرپایی خوب شد و زن بعد از چند روز بستری در بیمارستان تسلیم مرگ شد.

با این احوال کم نیستند کسانی که حتی با وجود اینکه برایشان مسجل شده که ابتلا به کرونا دارند، بدون اینکه به فکر دیگران باشند قرنطینه را می‌شکنند و روال عادی زندگی را پیش می‌گیرند.

«اگر آدم بگوید کسی مجبور است با وجود ابتلا به کرونا بیرون برود، باز می‌شود یک جورهایی درکش کرد. مثلاً اگر کسی را ندارد که دنبال کارهایش برود یا مجبور است سر کارش باشد چون اگر نرود کارش را از دست می‌دهد. البته باز هم توجیه‌پذیر نیست ولی بیشتر می‌شود با آن همدلی کرد تا کسی که با وجود مثبت بودن کرونایش برای امور غیرضروری و حتی تفریحی از خانه خارج می‌شود.»

مرد این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «ما خودمان یک همسایه داریم که زن و شوهر و پسر ۱۳ ساله‌شان هرسه چند روز قبل از عید به کرونا مبتلا شده بودند. اتفاقاً تا جواب تست‌شان مثبت شد در کانال تلگرامی ساختمان اعلام کردند تا همسایه‌ها بیشتر مراعات کنند. همان موقع به وجدان و شعورشان آفرین گفتم اما در کمال تعجب دیدم روز دوم عید سوار ماشین‌شان شدند و راهی سفر شدند. اصلاً باورم نمی‌شد چنین کاری کردند. گفتم شاید سفر نرفته باشند. آنقدر این موضوع گیجم کرده بود که از همسرم خواستم به بهانه احوالپرسی با خانم همسایه تماس بگیرد و او هم همین کار را کرد. در کمال تعجب به همسرم گفته بود، داریم می‌رویم شمال که حال و هوایمان کمی عوض شود. پسرم هم خیلی توی خانه حوصله‌اش سر رفته بود. بالاخره عید است دیگر. همسرم آنقدر عصبانی شده بود که نمی‌توانست چیزی بگوید. فقط پرسید خب مگر شما کرونا نداشتید و زن بنا را گذاشته بود به خنده و شوخی که ای بابا اصلاً کرونا کرونا که می‌گویند چیزی نیست. حالا خودتان می‌گیرید و می‌فهمید که شوخی است.»

> یک بار رفتم یک کافه و تا ماسکم را درآوردم شروع کردم سرفه کردن. قیافه های کارکنان کافه دیدنی بود. حسابی ترسیده بودند. بلند گفتم نگران نباشید، یک کم کرونا دارم. خندیدند و باورشان نشد اما واقعاً آن موقع کرونا داشتم

برای همه اما شوخی نیست. این را باید از کسانی پرسید که روز و شب‌های سخت و جانفرسا را با بیماری سپری کرده‌اند یا دلنگران جان عزیزی بوده‌اند که گاهی بی آنکه آخرین دیدار میسر شود او را با چشمان اشکبار بدرقه دیار باقی کرده‌اند و تنها اشک مانده و حسرت.

«به نظرم اگر آدم بداند کرونا دارد و در قرنطینه نماند و آزادانه برای خودش هرجا که می‌خواهد برود، هیچ فرقی با قاتل ندارد. از کجا می‌دانید یک فرد مسن یا کسی با بیماری زمینه‌ای در مواجهه با شما کرونا نمی‌گیرد و جانش را از دست نمی‌دهد؟ اصلاً مگر همه که به خاطر کرونا جان‌شان را از دست داده‌اند، مسن بوده یا بیماری زمینه‌ای داشته‌اند؟! آیا می‌توانید در صورت نقش داشتن در ابتلای کسی که جانش را از دست می‌دهد، خودتان را ببخشید؟ صرف اینکه معلوم نمی‌شود آن فرد از شما گرفته یا نه، مسئولیت را از گردن‌تان برنمی‌دارد.»

کسی که این‌ها را می‌گوید زن جوانی است که به تازگی دایی‌اش را بر اثر ابتلا به کرونا از دست داده است: «دایی من از دخترش گرفت. یکی از دخترهایش عید با علائم بلند شده بود و رفته بود شهرستان پیش پدر و مادرش. بقیه خواهر و برادرها نرفته بودند اما این اصرار داشته که حتماً برود. قبلش هم در یک میهمانی شرکت کرده بوده و انگار از همانجا مبتلا شده و به روی خودش هم نیاورده بود. می‌ترسید سفر عیدش خراب شود. هی سرفه و عطسه می‌کرده و می‌گفته سرما خوردم و حساسیت است. شوهرش بعداً لو داد که چند بار گفته برویم تست بدهیم و همسرش قبول نکرده. من آنقدر سر این قضیه ناراحتم که می‌گویم از قصد تست نداده چون مطمئن بوده مثبت می‌شود. این دختر دایی‌ام عاشق این است که برود شهرستان خانه پدر و مادرش و بخورد و بخوابد. ببخشید که اینجور می‌گویم چون خیلی عصبانی‌ام. حتی دلم نمی‌خواست به او تسلیت بگویم چون به نظرم کاملاً در مرگ پدرش مقصر است. اگر آدم یک درصد هم احتمال بدهد بیمار است، باید خودش را قرنطینه کند چه برسد به اینکه علائم به این واضحی داشته باشد. واقعاً یک مسافرت رفتن اینقدر ارزش دارد؟ چطور می‌تواند خودش را ببخشد؟»

حالا اینها به کنار، آشنایی تعریف می‌کرد کسی را سراغ دارد که با وجود مثبت شدن تست کرونا، بدون اینکه خیلی هم رعایت کند و درست و حسابی ماسک بزند، بیرون می‌رفته و توجیهش هم این بوده که حالا که من گرفته‌ام بگذار دیگران هم بگیرند. آدم این چیزها را که می‌شنود، داغ می‌کند. هی از خودش می‌پرسد مگر می‌شود اینقدر بی‌وجدان بود؟ نمی‌دانم اصلاً چه اسمی می‌توان روی چنین آدمی گذاشت؟ موقع ادعا کردن که می‌رسد همگی با فرهنگ و کمالاتیم، درباره همه چیز هم صاحبنظریم اما گاهی اینجور جاها خوب خودمان را نشان می‌دهیم و ثابت می‌کنیم که خودخواهی آدمیزاد انتها ندارد.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۶۵۷

آسان

۷		۹	۲	۱	۸			
			۵					۱
	۸			۶		۲		۹
۸		۶	۴	۳		۷		
۴		۱				۹		۸
		۲		۹	۱	۴		۳
۳		۸		۷			۹	
۹					۵			
			۹	۸	۶	۵		۴

متوسط

			۶	۷				۵
	۳		۴				۹	
۶		۵			۱	۸		
	۶			۸	۹	۷		
۹		۸				۲		۱
		۳	۵	۲			۸	
		۴	۹			۳		۷
	۹				۳		۱	
۳				۴	۷			

سخت

۳							۶	
		۹	۵				۱	
۸	۶			۹			۴	
					۳		۵	۲
			۹	۲	۵			
۵	۱		۷					
	۵			۴			۸	۷
	۳				۱	۶		
	۲							۴

خیلی سخت

	۶				۹			۵
		۸					۶	
	۲			۵		۳		
			۹					
۶	۱		۲	۸	۷		۵	۳
					۶			
		۳		۴			۸	
	۹					۷		
۴			۳				۱	

حل جدول سودوکو شماره ۳۶۵۷

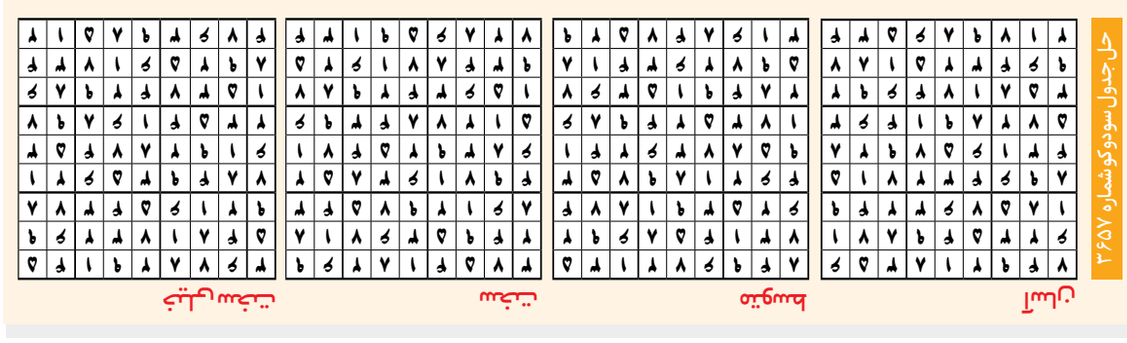

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۶۲۳

جدول عادی

افقی:
۱-حریفان-پرخور-اندوهگین
۲-ورم، برآمدگی-دوست حقیقی و بی‌ریا-فرمان
۳-بی‌نظیر-شهر «آتشکده کرکویه» در سیستان و بلوچستان-مخفف من را
۴-محروم-سمت راست-درون و داخل
۵-جامد-گندیده-برج معروف-ناصافی صدا
۶-روپوش کفش-نردبازماهر-جانشین
۷-بنی اسرائیل-چیزها-نام دخترانه
۸-یکی از سه تیمی که این روزها شانس قهرمانی لالیگا را دارد
۹-دستگاه رادار-۹۲ سانتیمتر-منگولیسم
۱۰-شهر زیبای استان «مرکزی»-شاعر نوپرداز-حلقوم
۱۱-لنگه بار-شیرینی سنتی تبریز-میوه کرکی!-سطح
۱۲-پارسنگ ترازو-رخسار-از لوازم آرایش خانم‌ها
۱۳-نژاد سفید همسایه شمالی-نابود، ناپدید-خودبینی
۱۴-سفینه فضاپیما-سلام-برزیبایی و دوام کفش می‌افزاید
۱۵-سیاره زهره-چرخگاه-بیمار و رنجور

عمودی:
۱-شغلی که لحظه‌ای غفلت در آن یک عمر پشیمانی را به دنبال دارد-سالن غذاخوری
۲-شهر حوزه علمیه-کوشش کردن-پس از قاره اقیانوسیه، دومین قاره کوچک جهان است
۳-نام پسرانه-کار معمول و روزانه-الگو
۴-کارخانه آردسازی-دلدار-ژنرال جنگ‌های انفصال
۵-تکامل یافتگی و پیشرفت-نژاد، دودمان-چون صد آید پیش ماست
۶-ضمیر دوم شخص جمع-به سبب-زردآلوی خشک شده
۷-گیاه بوریا-به آرامی و آهستگی-سامانه
۸-متعهد شده-دفترشعر-یکپارچه
۹-جمع وصیت-ینگه دنیا-حرف انتخاب
۱۰-کشوری در غرب آفریقا-انسان-مخفف تاتار
۱۱-نمونه-تباه و گندیده-سازمان نفت
۱۲-سیلی-هزار میلیون-چشمه پرآب
۱۳-بمب مخرب-اساس و شالوده-سریع‌ترین نوع شنا
۱۴-رخنه، روزنه-دوره‌ای و متناوب-چه کسی؟
۱۵-میزان معافیت شخص بیمه شده از پرداخت هزینه خدمات بیمه-شهر و تیمی در «انگلیس»

جدول ویژه

افقی:
۱-لب از سخن فرو بسته-گلزن «فنرباغچه»-ضرب شمشیر
۲-زد و خورد-دهی حومه «تهران» نزدیک حسن آباد فشافویه-رئیس کلانتری
۳-استاندار سابق-درجه و مقام-شوخ
۴-سیمان قدیم-سیمرغ-قوای درک اشیا
۵-برابر-ناتمام-زمینه و مقصود-نفس کشیدن
۶-از عناصر اربعه-خوراکی شیرین صبحانه-نشان و رونق
۷-شکل و پیکر-کامل کننده-رسوبی که به وسیله ماسه‌ها گذاشته می‌شود
۸-کارگردان فیلم‌های «لانه» و «نفس»
۹-خُرد کردن چیزی در زیر دندان-از رنگ‌ها-آرامش بخشی
۱۰-نوعی از صندوق آهنی-رفتار خوب-محصول مشترک سایپا و کیاموتورز
۱۱-مردمک-بندچرمی-فراخ-مایه
۱۲-پارچه گیاهی!-دست راست-حواری محبوب مسیح(ع)
۱۳-بی‌حاصل-روشن-فالگیر
۱۴-ادب-فیلمی از «احسان سلطانیان»-معتقد به چیزی
۱۵-محصول «رودبار»-اتومبیلرانی-ایضاً

عمودی:
۱-محله‌ای قدیمی در «شیراز»-بازیگر فیلم «توتسی»
۲-حرص-کنگر فرنگی-همسویه
۳-مارکی برساعت-زبانه ترازو-شیرینی شاخه‌ای
۴-مددکاری-شعبده-مخفف که او
۵-لگام اسب-الهه عشق-محتوای نوشته
۶-به تنهایی-رنگ خون-سیاره ما
۷-دلیر-درمان کانال ریشه-صاف
۸-نام زنانه ارمنی-ممکن بودن-رنگی است مانند حنا
۹-انتقام گیرنده-شویه-چاشنی معطر غذا
۱۰-درون-مایع ظرفشویی-حکم دادگاه
۱۱-موقع تعجب می‌خورند-بدگو-زیبا
۱۲-قلق-بنشن-نتایج و پیامدها
۱۳-سرمربی سابق تیم «شاهین بوشهر»-زحمت و گرفتاری-جایزه و مباح
۱۴-نسبت دادن-رودی در «ممسنی»-عدد گلر
۱۵-فیلمی با هنرنمایی «متین ستوده»-روزهای تاریخی و انقلابی کشورمان

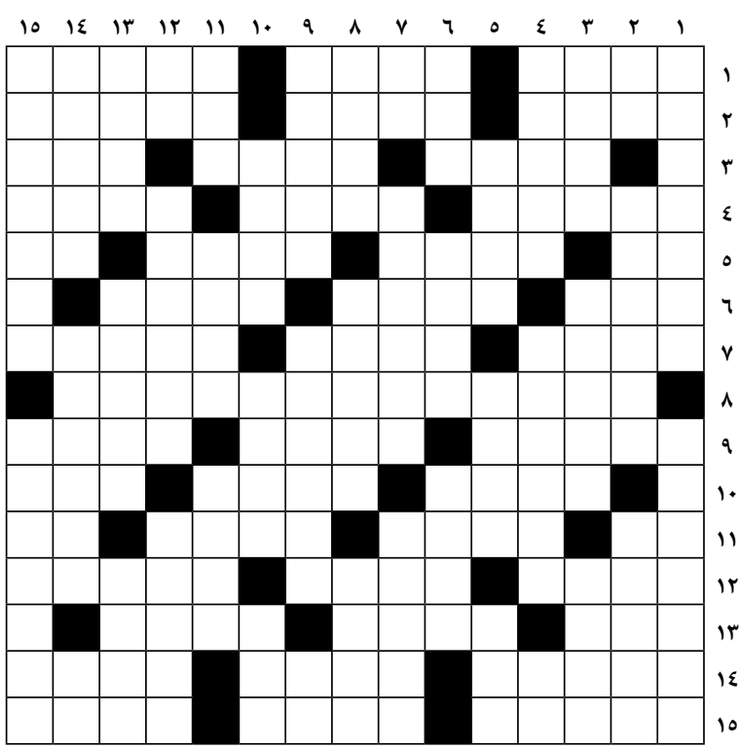

حل جدول عادی شماره ۷۶۲۲

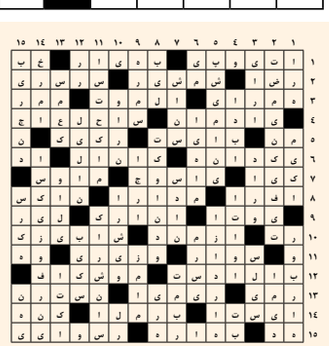
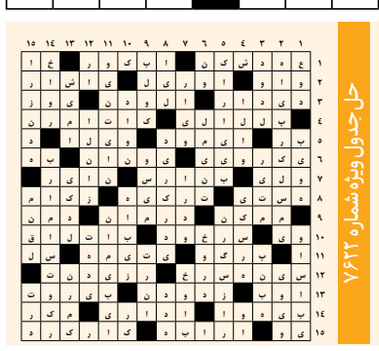
حل جدول ویژه شماره ۷۶۲۲